



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۲/۲۰

سید عظیم حسینی

طرح پیشنهادی جهت انکشاف اقتصادی پسا منازعه در افغانستان – قسمت یازدهم

باید اذعان داشت که در حال حاضر نظر به سطح رشد اقتصادی موجود در کشور امکانات در راستای توسعه منابع و چشمه های صادرات بسیار محدود است. تحلیل ارقام احصائیوی در بخش تجارت بیانگر آنست که میزان مجموعی صادرات رسمی کشور طی ۱۹ سال اخیر بالغ بر ۹۴۸۱ میلیون دالر گردیده و طور اوسط سالانه بالغ بر حدود ۴۹۹ میلیون دالر بوده است در حالیکه مجموع واردات طی همین دوره بالغ بر ۱۰۰۶۶۹ میلیون دالر گردیده است که اوسط سالانه ی این شاخص به ۵۲۹۸ میلیون دالر به ثبت رسیده است. هرگاه مجموع صادرات با میزان کل واردات مقایسه شود بخوبی روشن است که صادرات طی ۱۹ سال صرف ۴.۷۵ فیصد واردات را تشکیل داده که جداً قابل مکت و تأمل است. عواملی که باعث این تفاوت قابل ملاحظه بین ارقام واردات و صادرات طی این دوره بوده است قرار ذیل است:

1. ضعیف و محدود بودن منابع عمده و چشمه های تغذیه صادرات در کشور؛
2. کمبود سرمایه گذاری ها در جهت تقویت منابع تأمین صادرات در بخش معادن، صنایع و خدمات؛
3. ضعف مارکیتینگ؛
4. نبود کدرهای تحصیل کرده و مسلکی در سطح عالی که امور تجارت را به شکل علمی فرا گرفته، از اساسات وزیر بناهای حقوقی و قوانین سازمان جهانی تجارت آگاهی کامل داشته و قادر باشند تمام ابعاد تجارت بین المللی را تحلیل نموده و چالشها را به فرصت مبدل سازند؛
5. عدم تدویر سیستماتیک نمایشگاه ها در کشور های خارج جهت معرفی کالاهای افغانی و بدست آوردن بازار های جدید با همکاری آتسه های تجارتي افغانستان در خارج؛
6. عدم تماس سیستماتیک و دایمی و همچنان عدم هماهنگی آتسه های تجارتي افغانستان در خارج با رهبری وزارت صنعت و تجارت و اتاقهای تجارت و سرمایه گذاری، صنایع و معادن، زراعت و مالداري و اتاق تجارت زنان (که نظر به شرایط امروزی از فعالیت بازمانده است) و فقدان برنامه مشترک کاری بین آنها؛

7. عدم مراعات معیارها و استندردهای بین المللی، افغانستان نتوانسته است زمینه های عرضه اقلام بیشتر را در بازار های منطقوی و جهانی بشکل گسترده میسر سازد و جایگاه مناسبی را درین بازار ها بخود اختصاص دهد .
1. در حالیکه توسعه صادرات نسبی اقلام و کالاهای حتی در چوکات امکانات موجود، از طریق:

2. پروسس بهتر مطابق استاندارد های بین المللی وبسته بندی براساس نیاز مارکیت کشور های خریدار بویژه کشور های عربی و غربی؛
3. تبدیل مواد خام داخلی به اقلام یا کالا های آماده صادراتی؛
4. ارتقای سطح تولیدات داخلی؛
5. تدویرممتد و مستمر نمایشگا ها در داخل وخارج کشور جهت معرفی بیشتر محصولات؛ و
6. بازار یابی های گسترده ممکن بنظر میرسد .

هرگاه دولت و سکتور خصوصی در همکاری باهم در رفع این چالشها اقدام بموقع نموده و روند تقویت وتوسعه منابع صادرات قسیمیکه گفته شد دقیقاً مدیریت شود، صادرات علیرغم محدودیت های منابع و چشمه های صادراتی میتواند در قالب یک پالیسی دقیق وقابل تطبیق، توسعه یافته ودست آورد های بهتری حاصل شود. موازی به آن رشد وتوسعه عملی صادرات را باید با تأمین امنیت سرتاسری، در محور تقویت چشمه ها و منابع تأمین کننده آن وهمچنان فراهم آوری تسهیلات فراگیر تجارتي مطالعه کرد زیرا طوریکه گفته شد، رشد صادرات ارتباط مستقیم با منابع تأمین آن داشته و تنها با تقویت وتوسعه هدفمند ومستدام این منابع، فراهم آوری تسهیلات بیشتر ومدیریت سالم میتوان به انکشاف وتوسعه صادرات توفیق حاصل نمود. از جانب دیگر کم کاری های از طرف سکتور خصوصی نیز در زمینه به ملاحظه میرسد زیرا باوصف فرصت های وسیع وهمه جانبه که از جانب کشور های دونردر بخش تسهیلات تجارت ایجاد شد، سکتور خصوصی با بکار گیری مقطع نی وتکتیکی کمک ها، نتوانست با طرح برنامه های دراز مدت ازین مساعدت ها استفاده بنیادی و استراتژییک نمایدودر بعضی مواردی که پاره از اقدامات باید از جانب سکتور خصوصی انجام شود، با وصف استقلالیتی که دارد هنوز هم از خود ابتکاراتی ارائه نکرده و چشم انتظار دولت میباشد .

به هر حال این نکته را نیز فراموش نباید کرد که از امکانات و ظرفیت های موجود منابع تأمین صادرات نمیتوان توسعه ورشد صادرات را به حساب هندسی ومعادل رشد واردات را انتظار داشت (گرچه کشت کوکنار در افغانستان صبغه قانونی نیافته اما تولید وفروش آن که پنهانی وبه شکل قاچاق صورت میگیرد بخشی از صادرات غیر رسمی کشور را خواهی احتوا میکند) ، به دلیل اینکه در قدم اول ظرفیت های مجموعی منابع صادرات کشور در امکانات محدود موجود نهفته است، و در گام دوم تضمینی در ثبات تهیه و تولید اقلام صادراتی در سکتور زراعت وبازار های دایمی برای صنایع دستی وجود ندارد، زیرا عمدتاً حاصلات زراعتی حتی باوجود اتخاذ تدابیر سکتوری جهت بهبود محصولات، اندازه وکمیت حاصلات در گرو طبیعت است وحاصلات آن متناسب به مهربان بودن طبیعت گاهی ارتقاء یافته و زمانی کاهش می یابد. از طرفی صنایع دستی از جمله نیاز های ضروری نبوده، وهم هنگام بروز رکود اقتصادی، از وضع عمومی اقتصادی جهان متاثر میگردد. تولیدات صنایع دستی مانند سایر کالاها بنا بر تقاضای مارکیت عرضه شده و به همین علت نمیتواند از جمله کالاهای مطمئن ودایمی صادراتی باشد. به عنوان مثال میتوان از قالین افغانی نامبرد، چنانچه بحران اقتصادی جهان طی سالهای 1388- 1392 صدمه بزرگی بر صادرات این گروپ از اقلام صادراتی وارد کرد. این دو گروپ مهم اقلام صادراتی در حالیکه بطور عادی سهم خوبی در صادرات دارند اما رشد دایمی و دوامدار آن بنا بر عوامل یادشده تحت سؤال است. برای جلوگیری از تراکم سرمایه واستفاده معقول از امکانات موجود جهت بهبود صادرات مراتب آتی در نظر گرفته شود:

1. در شرایط فعلی که نظام اقتصاد بازار در افغانستان رواج یافته (گرچه حالا چشم انداز روشنی در زمینه موجود نیست و در صورتیکه امارت اسلامی آنرا نیز مورد تأیید قرار دهد)، و اگر قرار باشد همه اشخاصیکه در تجارت افغانستان مصروف اند صرفاً به واردات بپردازند (که تصویر حقیقی 19 سال اخیر همین حقیقت را بیان میدارد)، درینصورت کارتجارت صادراتی و هم سرمایه گذاری در سایر سکتورهای اقتصادی که در رشد اقتصاد کشور تأثیر عمیق و بنیادی داشته و فرصت های کاری را بوجود می آورد، صدمه بزرگ و نابخشودنی وارد مینماید. از جانب دیگر، بنابر مشیوع بودن تجارت وارداتی، جای برای سرمایه گذاری های بیشتر درین عرصه تجارت محدود گردیده و به ضرر اقتصاد ملی می انجامد. بنا ایجاب مینماید تا برنامه مشترک رهنمود دهنده از جانب دولت و سکتور خصوصی جهت استفاده معقول و هدفمند از منابع داخلی در جهت توجیه سرمایه گذاری ها از سکتور تجارت بخصوص تجارت وارداتی به سکتور صنعت و معادن بمنظور تقویت تجارت صادراتی بوجود آید.
2. با وجود آنکه یکتعداد کوپراتیف بوجود آمده و فعالیت دارند اما با آنهم در بخش صادرات میوه جات تازه و خشک و سبزیجات، و سایر اقلام صادراتی، طوریکه بملاحظه میرسد صادرات به شکل پراکنده و غیر منظم صورت گرفته، و صدور بعضی اقلام بصورت انفرادی از طرف افراد و اشخاص انفرادی تکمیل و اجرا میگردد. گرچه چنین اقدامات ضروری به نظر میرسد اما اکثراً مقطع ئی بوده و تا کوپراتیفها و شرکت های بزرگ صادراتی ایجاد نگردد، تداوم صادرات را به صورت هدفمند تضمین کرده نمیتواند، زیرا کوپراتیفها و شرکت های بزرگ صادراتی میتوانند با جلب اعتماد متقابل و عقد قراردادهای با شرکت های بزرگ خریدار، صدور کالاهای افغانی را به شکل دوامدار با مصارف کمتر انجام دهند و زمینه صادرات بیشتر کالاهای افغانی را میسر سازند.
3. بخاطر رسیدن به اهداف والا تر که صادرات را از جنبه عنعنوی آن خارج نموده و باعث رشد و توسعه دوامدار و مطمئن آن گردد، ایجاب مینماید تا استراتیژی ملی صادرات که یک پدیده چند بُعدی و فراگیر بوده و تنها در سکتور تجارت خلاصه نمیشود، در جهت جستجو، استحکام و تقویت منابع جدید صادرات و فراهم آوری تسهیلات گسترده در سطح ملی طرح و عملی گردد.
4. جهت جلب و جذب هرچه بیشتر سرمایه گذاری داخلی و خارجی در راستای توسعه و استحکام منابع و چشمه های تأمین صادرات باید در قانون سرمایه گذاری تجدید نظر صورت گیرد.
5. طوریکه بملاحظه میرسد وضع نا بسامان موجود در تجارت خارجی افغانستان و به مفهوم دیگر صعود غیر قابل کنترل واردات به سهم خود مانع بزرگی را در برابر صنعتی شدن کشور به وجود آورده است. بمنظور تغییر این وضعیت ایجاب مینماید کمیته ملی صادرات ایجاد گردد تا استراتیژی ملی صادرات را عملی سازد. به منظور بهبود صادرات و توسعه مستمر آن باید برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت از جانب کمیته ملی صادرات طرح و به همکاری اتاقهای تجارت و وزارت های سکتوری به منصفه اجرا گذاشته شود.
6. در حال حاضر سکتور های صنایع و معادن که در واقع مرجع امید در جهت انکشاف اقتصادی برای تمام ملت بشمار میرود، سهم ناچیزی در رشد صادرات دارند. بنا ایجاب مینماید برنامه های مدون که دارای قید زمانی هم باشد به تمام سکتورها و وظایف مشخص داده شود تا هر سکتور در چوکات امکانات و هم جستجوی راههای جدید و ابتکاری پیرامون رشد صادرات راهکارهای مناسبی را رویدست گیرند.

7. کمیته ملی صادرات بانیست موضوع تعرفه های گمرکی را (که نباید در انحصار وزارت مالیه قرار داشته باشد) منحیث یکی از افزار رشد اقتصاد ملی، نه یک پدیده مجرد تخنیکي و تحصیل عواید مقطع ئی بصورت دایمی مورد تجدید نظر قرار دهد .

8. کمیته ملی صادرات موضوع مالیه دهی را که از جمله مسایل مهمی بشمار میرود و سرمایه گذاری را در کشور تشویق، سکتور صنعت را تقویت مینماید بطور مداوم باز نگری نموده عندالموقع اقدام مقتضی نماید که در نهایت نتایج پرباری را در راستای رشد مستمر صادرات و کاهش واردات در قبال خواهد داشت و رونق اقتصادی را به دنبال خواهد آورد .

(باقیدارد)